

اقلیت‌های اسلامی در غرب؛ واقعیت‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازها «نمونه اروپا»

دکتر محمد بشاری*

چکیده:

طی دهه‌های گذشته، نظریه مسیحیت صهیونیستی به طور کامل قوام یافته و اکنون تبدیل به اندیشه اقلیت‌ها، به ارائه آمارهای اولیه اقلیت‌های اسلامی در جهان پرداخته و با طرح ریشه‌های حضور اسلام در اروپا، جنبه‌های حقوقی حضور مسلمانان و به رسمیت شناختن اسلام در اروپا و تردیدهای برخی از کشورها نسبت به تلاش‌های انجام گرفته را بررسی نموده است. محورهایی هم‌چون احوال شخصیه، احکام ارث، خوراکی‌ها، آموزش و پرورش، خدمت نظام وظیفه، عبادات و معاملات، هم‌چنین وضعیت اقلیت‌های مسلمان در اروپا در عرصه‌های دینی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای از جمله نکات مورد توجه در این مقاله به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: اسلام، مسلمانان، اقلیت، غرب، اروپا، اقلیت‌های اسلامی، فرانسه.

۱- اقلیت‌ها: اشکال در تعریف

وقتی از واژه «اقلیت» سخن می‌گوییم، به طور مستقیم واژه یا اصطلاح متضاد و عکس آن به ذهن خطور می‌کند؛ واژه «اکثریت» برای درک مفهوم مطلق اقلیت مطرح می‌شود، حال آن‌که این واژه یا تعبیر می‌تواند معنا و مفهوم متعدد و حتی به تعبیر زبان‌شناسان بار معنایی متفاوت و گاه متضادی به خود بگیرد؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که واژه «اقلیت» بسته به کاربرد و شرایط زمانی و مکانی، دارای معانی متفاوتی است.

* دبیر کل کنگره اسلامی اروپا.

الف) مفهوم «اقلیت» در قرآن

وقتی قرآن کریم اصطلاح «اقلیت» را مطرح می‌کند، به آن بعدی مکتبی و در پیوند با میزان تطابق عملی، رفتاری و حتی برداشتی از خط‌دین‌داری، می‌بخشد و آن را در گروه نجات یافتگان از آتش دوزخ و مزده داران پیروزی دنیوی و بهشت آخرتی، مجسم می‌داند: «كَمْ مِنْ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِيهِ كَثِيرَةٌ يَأْذُنُ اللَّهُ؛ بسا گروهی اندک، بر گروهی بسیار به اذن خداوند پیروز شده است» (بقره/۲۴۹). در قرآن کریم حتی یک مرد، یعنی حضرت ابراهیم علیه السلام، نیز مورد توجه قرار گرفته؛ زمانی که خداوند بر وی وحی فرستاد و به او فرمان داد که یکه و تنها و با یاری گرفتن از قدرت الهی، امت خود را از پرستش طاغوت‌ها رهایی بخشد و به پرستش خدای یگانه فرا خواند، به عنوان یک امت مطرح گردید. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً؛ به درستی ابراهیم (به تنهایی) امتی... بود» (نحل/۱۲۰).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «مردمان هم‌چون انبوه شترانی هستند که تنها شمار بسیار اندکی از آنان را می‌توان سوار شد.» در مقابل، مشاهده می‌شود که قرآن کریم در برخورد با مفهوم متضاد با اقلیت، یعنی اکثریت عددی، به مسلمانان هشدار می‌دهد که مبدا فریب قدرت ظاهری و از جمله شمار و فراوانی عددی خود را بخورند. قرآن کریم در زنه‌رباش و مذمت اکثریت گمراه، کاملاً آشکارا سخن می‌گوید: «وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَيُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ و اگر از اکثریت روی زمین پیروی کنی، تو را از راه خداوند به گمراهی می‌کشانند» (انعام/۱۱۶).

در روایتی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را از خواری [همراه] اکثریت برحذر داشته و فرمود: «ممکن است روزی رسد که ملت‌های دیگر بر شما یورش آورند و نابودتان سازند. شخصی از حضرت پرسید: شمار ما در آن زمان کم خواهد بود؟ فرمود: خیر؛ در آن روزگار، بسیار خواهید بود ولی چون کف سیل، خداوند ترس از شما را از سینه دشمنانتان بر می‌گیرد و در دل‌هایتان، سستی و ضعف می‌نشانند. شخصی پرسید: ای رسول خدا! سستی و ضعف؟ به چه صورت؟ حضرت فرمود: عشق به دنیا و نفرت از مرگ». (سجستانی، ج ۲، ص ۳۱۳).

اسلام، ملاکی را مطرح کرده که با تمامی استانداردهای قدیم و جدید که تنها به مقیاس‌های عددی و اکثریت بسنده می‌کنند، متناقض است؛ در اسلام، کیفیت، اساس و بنیاد هرگونه بنای تمدنی به شمار می‌رود.

ب) مفهوم «اقلیت» در عرف بین‌المللی امروز

واژه «اقلیت» در تمامی موافقت‌نامه‌ها و معاهده‌های بین‌المللی، محلی و کشوری، به منظور پشتیبانی و تحقق نمودهای وجودی آن، راه یافته است. تقریباً در تمامی موافقت‌نامه‌های دوجانبه

میان کشورها، به مسئله اقلیت‌ها و حمایت کشور متبوع آنان از آنها، اشاره شده و در این راستا و متناسب با پایه‌های مشترک نژادی، ملی، زبانی، دینی، مذهبی، سیاسی، اجتماعی، فکری و...، گروه‌های اقلیتی مختلف، دارای نهادهای مربوط به خود گشته‌اند. حمایت از اقلیت‌ها در عهدنامه‌های بین‌المللی و پیشاپیش آنها عهدنامه‌های مربوط به حقوق بشر نیز مطرح شده است؛ به عنوان مثال، ماده دوم از اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند که: «هر کس بی هیچ تبعیضی به‌ویژه تبعیض نژادی، رنگ، جنس، زبان یا دین یا نظر سیاسی یا غیر سیاسی یا ریشه ملی یا اجتماعی یا ثروت و محل تولد یا هر وضع دیگری حق برخورداری از تمامی حقوق و آزادی‌های یاد شده در این اعلامیه را دارد. علاوه بر این، هیچ تبعیضی بر اساس وضع سیاسی یا حقوقی یا بین‌المللی کشور یا منطقه‌ای که شخص بدان وابستگی دارد اعم از آن که مستقل یا تحت قیمومیت یا ناپروردار از خودمختاری یا گرفتار هرگونه محدودیتی در حق حاکمیت خود باشد، روا نیست». موادی که زندگی اقلیت را همسان با زندگی اکثریت تضمین می‌کنند، فراوان است.

از جمله حقوق اعطایی به هر انسان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

حق دریافت تابعیت؛ هیچ کس را نمی‌توان از حق تابعیت یا حق وی در تغییر تابعیت، محروم ساخت (ماده دهم)؛ حق ازدواج و تشکیل خانواده بی هیچ محدودیت نژادی، دین یا تابعیت (ماده شانزدهم)؛ حق مالکیت (ماده هفدهم)؛ حق رأی و بیان (ماده نوزدهم)؛ حق برخورداری از تأمین اجتماعی (ماده بیست و دوم)؛ حق کار و آزادی انتخاب شغل مناسب (ماده بیست و سوم)؛ حق مالکیت معنوی و فکری (ماده بیست و هفتم) و دیگر حقوقی که اصل برابری و حق برخورداری از زندگی مناسب و آزادی انجام شعائر مذهبی را تثبیت کرده‌اند. در این میان، مخالفت با انواع گوناگون تبعیض نژادی در بسیاری از اعلامیه‌های حقوقی، قید شده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- قطع‌نامه سازمان ملل متحد در نفی همه اشکال تبعیض نژادی، شماره ۱۹۰۴ (۱۰۸) سال ۱۹۶۳ و سپس ۱۹۶۵ م.
- معاهده بین‌المللی ریشه‌کنی تبعیض نژادی و پیگرد اعمال کنندگان؛ قطع‌نامه شماره (۳۰۶۸۲۸۰) سال ۱۹۷۳ م.
- توافق‌نامه منع تبعیض در عرصه‌های آموزشی؛ کنفرانس عمومی «یونسکو»، دسامبر ۱۹۶۰ م.
- توافق‌نامه منع تبعیض در عرصه استخدام و حرفه؛ کنفرانس عمومی «سازمان بین‌المللی کار»، ژوئن ۱۹۸۵ م.

- توافق‌نامه ویژه رفع هرگونه تبعیض علیه زنان؛ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دسامبر ۱۹۷۹ م.

- توافق‌نامه ویژه برابری دست‌مزدها؛ کنفرانس عمومی «سازمان بین‌المللی کار»، ژوئن ۱۹۵۱ م.
- اعلامیه مربوط به نژاد و تبعیض نژادی؛ کنفرانس عمومی «یونسکو»، نوامبر ۱۹۷۸ م.
- اعلامیه مربوط به از میان برداشتن هرگونه تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقادات.

ج) انواع اقلیت‌ها:

ضرورتاً لازم نیست اقلیت به لحاظ عددی، اندک باشد؛ سیاهپوستان در آفریقای جنوبی و انگلیسی‌ها در هند در زمان استعمار بریتانیا، دو مثال برای نفی این ایده به‌شمار می‌روند. معیار [اقلیت بودن]، میزان برخورداری از انواع قدرت است. آقای ویرث، اقلیت را گروهی از مردم می‌داند که به دلیل ویژگی‌های فیزیکی یا فرهنگی و برای متمایز گشتن از دیگران، در طبقه‌بندی جداگانه‌ای قرار می‌گیرند و همین تمایز و جدایی، آنان را در معرض برخورد نابرابر و متفاوتی قرار می‌دهد و آنان خود را مصداق تبعیض گروهی تلقی می‌کنند. وجود «اقلیت» نیز به معنای وجود گروه مقابل برخوردار از موقعیت اجتماعی و دارای امتیازات بیشتر و گسترده‌تر است. حال آن‌که موقعیت و وضع اقلیت، مبتنی بر دور ساختن آن از مشارکت کامل در زندگی جامعه است و به فرد [وابسته به اقلیت]، به مثابه فردی از آن اقلیت، نگریسته می‌شود.

اقلیت‌ها به لحاظ معیارها و مشخصه‌ها و نوع روابطی که با گروه اکثریت دارند و نیز واکنشی که در مواقع گوناگون از خود بروز می‌دهند، با یک‌دیگر متفاوت‌اند. مواضع اقلیت را می‌توان بر حسب هدف‌های آن، دسته‌بندی کرد. در ذیل نمونه‌هایی از آن ارائه می‌شود:

- چندگانگی (پلورالیسم) از خواست‌های اقلیت برای هم‌زیستی در کنار اکثریت و اقلیت‌های دیگر است. این یک شرط ضروری برای تمدنی پویاست؛ زیرا اجازه مبادله و داد و ستد مشترک را می‌دهد و به صورت‌گرایش به برابری سیاسی و اقتصادی و رواداری در تنوع فرهنگی، زبانی و دینی، در می‌آید. البته مفهوم «پلورالیسم» نیز در بافت‌های اجتماعی مختلف، متفاوت است. در جوامع مختلف، به معنای تسامح و پذیرش گروه‌های فرهنگی و البته همکاری‌های کمتر در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی است.

- گرایش اقلیت به ذوب شدن در گروه مسلط (اکثریت) که بیشتر از تمایل اکثریت نشأت می‌گیرد. بهترین مثال در این مورد، سیاه‌پوستان ایالات متحده آمریکا هستند که در این راه ناکام ماندند، حال

آن که اقلیت‌های دیگری چون یهودیان، به دلیل موفقیت‌های اقتصادی خود، در جامعه آمریکا ذوب و در آن ادغام گشتند.

این در حالی است که در خصوص گروه‌های مذهبی دیگر، مسئله متفاوت است، زیرا برخی از آنها، حاضر به ذوب شدن در گروه اکثریت و انحلال خود نگشتند.

- جدایی طلبی؛ یعنی این که اقلیت، به ویژه در پی ناکامی در ادغام یا تحقق پلورالیسم، راه حل کار را در جدا شدن از دیگران و استقلال فرهنگی و سیاسی می‌یابند.

- گرایش برخوردآمیز، که هم چون «ببرهای تامیل»، «گروه‌های مقاومت فلسطینی»، «ارتش جمهوری خواه ایرلند» و... بر هویت خود پای می‌فشارند و گاهی برای غلبه بر قومیت‌های دیگر، جنبه جنگ‌جویانه به خود می‌گیرند.

اقلیت‌های اسلامی در جهان: آمارهای اولیه

در آرایه شمار واقعی اقلیت‌های اسلامی در جهان، با دشواری‌هایی روبه‌رو هستیم و طبیعی است که «عدد» نهایی از نظر پژوهش‌گران، متفاوت است. گروهی مجموع اقلیت‌های اسلامی را کمتر از ۲۲۰ میلیون نفر تخمین می‌زنند و برخی دیگر، ارقام بیشتری را ذکر می‌کنند. گاهی این تفاوت، شامل تعداد کشورهای اسلامی نیز می‌شود، زیرا برخی، آنها را ۵۷ کشور و برخی دیگر، پنجاه کشور (۲۲ کشور آسیایی، ۲۷ کشور آفریقایی و یک کشور اروپایی)، رقم زده‌اند. حال آن که این اختلاف نظر پژوهش‌گران در اسلامی دانستن یا ندانستن کشوری، در آخرین تحلیل، بر شمار اقلیت‌های مسلمان نیز انعکاس می‌یابد. عوامل دیگری نیز وجود دارد که مانع از آرایه ارقام درست اقلیت‌های اسلامی در جهان است؛ از جمله این که بسیاری از کشورها به این بهانه که آمارگیری‌های این چینی، مشکلات مذهبی در پی خواهد داشت، توجه جدی به آمارگیری از اقلیت‌های دینی نشان نمی‌دهند، یا مثلاً شماری از مسلمانان در کشورهای کمونیستی، سعی در پنهان نگاه داشتن عقاید و شعائر دینی خود و تظاهر به اعتقاداتی موافق جهت‌گیری‌های رژیم‌های خود می‌کردند تا از کار و حقوق مسلم خود در پست‌های حساس، محروم نگردند. آن چه برای ما اهمیت دارد اطلاع یافتن از برخی آمارهای مربوط به شمار مسلمانان در جهان است - البته این آمار مربوط به دهه نود قرن گذشته است - تا از آنها شمار احتمالی و آمارهای کنونی، یعنی نیم دهه نخست قرن بیست و یکم - را نتیجه گیری کنیم.

به عنوان مثال، در قاره آسیا، شمار مسلمانان بیش از ۷۵۲ میلیون نفر تخمین زده می‌شود که ۴۷۰ میلیون نفر، یعنی تقریباً ۶۳٪، از آنان در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند، حال آن که شمار مسلمانان در کشورهای غیراسلامی ۲۸۲ میلیون، یعنی ۳۷٪ کل مسلمانان آسیا، می‌باشند.

برای مثال، در هند، مسلمانان ۱۵٪، در چین ۱۰٪، در جمهوری‌های تازه استقلال یافته اتحاد جماهیر شوروی سابق ۲۵٪، در تایلند ۱۲٪ و در فیلیپین ۱۱٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند. در مورد قاره آفریقا، تخمین زده می‌شود که شمار مسلمانان بیش از ۲۹۳ میلیون نفر باشد که ۲۲۳ میلیون نفر از آنها (تقریباً ۷۶٪) در کشورهای اسلامی و بیش از ۷۰ میلیون نفر (۲۴٪) در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند.

شمار مسلمانان در برخی کشورهای غیراسلامی آفریقایی از این قرار است: در اتیوپی، هفده میلیون نفر، در تانزانیا، دوازده میلیون نفر، در اوگاندا پنج میلیون نفر و در کنیا چهار میلیون نفر.

شمار اقلیت‌های مسلمان ایالات متحده آمریکا و کانادا، نزدیک به چهار میلیون نفر برآورد می‌شود. مسلمانان آمریکای شمالی بیش از سه میلیون نفر هستند که بیش از دو میلیون نفر از آنها، آفریقایی تبارند.

شمار مسلمانان آمریکای جنوبی و مرکزی حدود ۴۰۰ هزار نفر است. در استرالیا نیز ۵۵۰۰۰ مسلمان وجود دارد و بیش از ۳۵۰۰۰ مسلمان در مرکز اسلامی وجود دارد و اغلب مسلمانان این کشور لبنانی تبار هستند. استرالیا از جمله کشورهایی است که می‌تواند شمار بسیار بزرگی از مسلمانان را در خود جای دهد. به طور خلاصه، می‌توان با قاطعیت اعلام کرد امروزه نزدیک به یک سوم مسلمانان جهان خارج از گستره جغرافیایی جهان اسلام زندگی می‌کنند؛ یعنی ۴۵۰ میلیون نفر از مجموع نزدیک به یک میلیارد و ۳۵۰ میلیون نفر مسلمان. در ذیل، جدول ویژه آمار حضور مسلمانان در کشورهای اروپایی نشان داده شده است.

جدول آماری شماره ۱: اروپای غربی

کشورها	کل جمعیت کشور	شمار مسلمانان
فرانسه	۵۹۸۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰
آلمان	۸۳۲۵۱۸۵۱	۳۲۰۰۰۰
انگلستان	۵۷۲۳۶۰۰۰	۱۷۰۰۰۰
ایتالیا	۵۷۷۳۹۰۰۰	۱۰۰۰۰۰
هلند	۱۴۸۰۴۰۰۰	۹۰۰۰۰
بلژیک	۱۰۳۰۰۰۰	۶۰۰۰۰

کشورها	کل جمعیت کشور	شمار مسلمانان
سوئد	۸۸۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰
سوئیس	۷۳۰۱۹۹۴	۴۰۰۰۰۰
اسپانیا	۴۰۱۰۰۰۰۰	۶۵۰۰۰۰
اتریش	۸۱۶۹۹۲۹	۴۰۰۰۰۰
یونان	۱۰۶۴۵۳۴۳	۷۰۰۰۰۰
دانمارک	۵۲۳۰۰۰۰	۱۳۰۰۰۰
فنلاند	۵۱۸۰۰۰۰	۴۰۰۰۰
پرتغال	۱۰۱۰۰۰۰۰	۳۵۰۰۰۰
نروژ	۴۵۳۰۰۰۰	۵۵۰۰۰
لوکزامبورگ	۴۴۸۵۶۹	۱۰۰۰۰
مالت	۳۹۷۴۹۹	۵۰۰۰۰
جمع	۳۲۶۷۹۹۱۸۵	۱۶۵۸۵۰۰۰

بدین ترتیب روشن می‌شود که در اروپای غربی بیش از شانزده میلیون نفر مسلمان زندگی می‌کنند.

جدول آماری شماره ۲: اروپای شرقی و بالکان

کشورها	کل جمعیت کشور	شمار مسلمانان
جمهوری فدراتیو روسیه	۱۴۵۰۰۰۰۰۰	۲۱۰۰۰۰۰۰
اوکراین	۴۸۴۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰
رومانی	۲۲۳۱۷۷۳۰	۱۲۰۰۰۰
بلغارستان	۷۶۲۰۰۰۰	۲۶۰۰۰۰۰
لهستان	۳۸۶۲۵۴۷۸	۳۰۰۰۰
مجارستان	۱۰۱۰۰۰۰۰	۸۰۰۰۰
روسیه سفید	۱۰۳۳۵۳۸۲	۸۰۰۰۰
مولداوی	۴۴۳۰۰۰۰	۲۵۰۰۰
کشورهای بالکان	۷۷۰۰۰۰۰	۳۵۰۰۰

کشورها	کل جمعیت کشور	شمار مسلمانان
آلبانی	۴۰۰۰۰۰۰	۳۱۰۰۰۰۰
بوسنی و هرزگوین	۴۳۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰
کوزوو	۲۲۸۳۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰
مقدونیه	۲۱۱۱۰۰۰	۵۰۰۰۰۰
کرواسی	۴۳۹۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰
اسلونی	۱۹۳۰۰۰۰	۲۵۰۰۰
صربستان	۹۷۹۱۷۴۵	۸۰۰۰۰۰
چک	۱۰۳۰۰۰۰۰	۳۰۰۰
جمع	۳۳۵۵۸۲۳۳۵	۳۵۷۴۸۰۰۰

نتیجه آن که: کل اروپا، امروزه بیش از ۵۰۰۰۰۰۰۰ مسلمان را در خود جای داده است.

۳- ریشه‌های حضور اسلام در اروپا

پس از گذشت نزدیک به نیم قرن از آغاز حرکت مسلمانان به سمت اروپا، اقلیت‌های مسلمان این قاره، مرحله استقرار موقت را پشت سر گذاشته وارد مرحله استقرار دائم گشته‌اند؛ این تحول، زمانی اتفاق افتاد که مسئله بازگشت به وطن مادری، که همواره به صورت آرزویی ذهن مهاجران اولیه را به خود مشغول می‌کرد، به فراموشی سپرده شد و در سایه حضور نسل دوم و حتی سوم این مهاجران مسلمان و دریافت تابعیت از کشورهایی که در آن جا متولد و بزرگ شده بودند و برخوردار شدن از حق شهروندی، توجه اصلی اقلیت‌های مسلمان، به سامان‌دهی خود و ایجاد سازمان‌ها و نهادهای دینی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای به مثابه پایگاه‌های حضور دائمی آنها در کشورهای جدید خود همراه با تمایل به هم‌سویی و هم‌رنگی با شرایط زندگی اجتماعی در کنار حفظ هویت دینی اسلامی در محیطی که به‌هرحال برای آنان بیگانه یا دشمن تلقی می‌شود، معطوف گردیده است.

آنها برای حفظ بنیادهای عبادی و شعائر دینی اسلامی خویش و نجات فرزندان خود از بیراهه‌ها و گم‌راهه‌ها و سردرگمی میان دو هویت و دو فرهنگ و دوری گزیدن از انواع انحراف‌های عقیدتی، مذهبی و اجتماعی، چه راهی را باید در پیش بگیرند؟

ما در این بحث سعی خواهیم کرد به این پرسش پاسخ دهیم و جنبه‌های مجهول زندگی اقلیت‌های مسلمان در اروپا و مشکلات و مسایل سرنوشتی آنها را بررسی نماییم.

می‌توان با قاطعیت گفت: قاره اروپا طی قرن بیستم میلادی، آشکارا حضور مهم و مؤثر اسلام را در میان خود می‌پذیرد و بدون هیچ خشونت یا ممانعتی، تبدیل به محیط دوستانه‌ای می‌شود که رابطه هم‌بستگی و هم‌یاری همه جانبه، آن را به جهان اسلام پیوند می‌دهد. نظرات فقهی ارزشمندی در همین راستا صادر شده که از جمله می‌توان به نظرات آقایان «شیخ یوسف القرضاوی»، «فیصل المولوی» و فقیه راحل «شیخ عبدالعزیز بن باز» اشاره کرد.

به‌طور کلی می‌توان گفت: اقلیت‌های مسلمان در قاره اروپا، به دو بخش عمده تقسیم می‌شوند:
الف: مسلمانان مهاجر که خود پنج دسته را شامل می‌شوند:

۱- کسانی که از کشورهای اسلامی و برای کار و کسب و بهبود وضع زندگی خود مهاجرت کرده‌اند که بخش عمده آنها در شمار عامه مسلمانان تلقی می‌شوند؛

۲- افرادی که برای تحصیل مهاجرت کرده‌اند و بیشتر آنها جوانان روشن فکر هستند؛

* پناهندگان سیاسی که خود دو گروه‌اند: گروهی به دلیل اشغال کشورشان از سوی بیگانگان مهاجرت کرده‌اند (از فلسطین، کشمیر، افغانستان و...) و گروهی دیگر که [در کشور خود] در معرض فشارهای سیاسی یا مذهبی بوده‌اند؛

* سرمایه داران و بازرگانی که اقامت آنان در کشور میزبان به درازا کشیده است؛

* دیپلمات‌ها و خانواده آنان.

ب: شهروندان این کشورها که اسلام آورده‌اند.

جنبه‌های حقوقی حضور مسلمانان

هر کدام از کشورهای اروپایی میزبان مهاجران، روش ویژه‌ای در برخورد با بیگانگان، اقلیت‌های دینی و گروه‌های نژادی دارد که به شرایط تاریخی و میزان روابط این کشورها با کشورهای اسلامی طی دوره استعمار غرب و پس از آن، بستگی پیدا می‌کند. در این راستا، می‌توان سه نمونه اروپایی در برخورد با اقلیت‌های اسلامی را از یک‌دیگر تشخیص داد:

۱- نمونه «ایبری» یا اسپانیولی

ریشه‌های اسلام در شبه جزیره ایبری و به‌طور مشخص در اسپانیا (اندلس سابق) به سال ۹۲ هجری قمری، یعنی زمان فتح آن‌جا به‌وسیله فرمانده بربری [از اقوام آفریقای شمالی] «طارق بن زیاد»، باز می‌گردد؛ از آن زمان، اندلس به صورت پلی برای گسترش اسلام در جنوب اروپا و در عین

حال، دژی برای در امان داشتن امت اسلام از امواج تعصب‌های دینی مسیحیان در آمد. در این جا بود که تمدن اسلامی تأثیر خود را به جای گذاشت و در شکل‌گیری رنسانس نوین اروپا که با بهره‌گیری از دستاوردهای اسلامی آن زمان در علوم و فنون و ادبیات، زمینه ساز تمدن انسانی نوینی گشت و به نوبه خود نقش به‌سزایی در ایجاد تمدن معاصر غرب ایفا کرد، نقش داشت.

مسلمانان از سال ۹۲ هجری قمری تا خروج آخرین فرمانروای مسلمان از غرناطه (گرانادا) در سال ۱۴۹۲ میلادی و هم‌زمان با دگرگونی اوضاع و گسترش محاکم تفتیش عقاید یا انگیزسیون (Tribunaux d'inquisition) و تعصب‌های مذهبی و افراط‌گرایی دینی، بر اندلس حکمرانی کردند. با خروج مسلمانان و پیامدهای بعدی آن، اوضاع چنان شد که اعتقادات و ادیان مخالف [مغایر با مسیحیت] اجازه حضور نداشت؛ این امر با تکیه بر قدرت نظامی استعماری، منجر به ترویج و تبلیغ مذهب کاتولیک در تمامی کشورهای مستعمره اسپانیا از هنگام کشفیات بزرگ جغرافیایی تا اواخر قرن نوزدهم گردید؛ درست برخلاف آن‌چه در مورد امپراتوری‌های دیگری چون فرانسه و به‌ویژه انگلستان، انجام گرفت.

سلطه دستگاه کلیسا بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها تا زمان مرگ ژنرال فرانکو در اواخر سال ۱۹۷۵ میلادی، ادامه یافت. در این زمان، نسیم دموکراسی در اسپانیا وزیدن گرفت ولی در عین حال، کلیسا در این کشور، در مقایسه با شمار بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی و به‌رغم این‌که بازنگری سال ۱۹۷۸ م. قانون اساسی اسپانیا، آن را کشوری غیر دینی توصیف نمود، از موقعیت ممتازی برخوردار بوده و حتی از کمک‌های مالی دولت بهره‌مند بود.

در این راستا مشاهده می‌کنیم که چهره اسلام در کتاب‌های درسی این کشور بسیار مشوش و غلط‌انداز است، به‌طوری‌که از اسلام چهره یک دین جنگی یا وحشی، آرایه شده است. این تعصب‌های دینی، هم‌چنان‌که گفته شد، زمینه‌های تاریخی حدود پانصد ساله دارد و شامل تشویش و تحریف حقایق تاریخی بر اساس قاعده «تاریخ را پیروزمندان می‌نویسند» گشته و طبیعی است که چنین تحریف و خدشه‌هایی، همه باورهای دینی مخالف با عقاید کاتولیکی را در برگیرد.

آمارهای رسمی، از وجود دست‌کم سیصد هزار مسلمان در سرزمین اسپانیا حکایت دارد، حال آن‌که در آمارهای غیر رسمی این رقم را تا نیم میلیون نفر نیز گفته‌اند. ناظران علت وجود چنین اقلیتی را به دو عامل مرتبط می‌دانند: ۱- نیاز مبرم اسپانیا برای جلب نیروی کار بیگانه از خارج از مجموعه کشورهای اروپایی. در این مورد یادآور می‌شویم که در کنفرانس سران اروپایی در هلسینکی

سال ۱۹۹۸ میلادی، اسپانیا ناگزیر شد دروازه‌های خود را به روی نیروی کار جوان بگشاید تا هم نرخ بسیار پایین رشد جمعیت این کشور را جبران کند و هم در بنای دولت نوین و امروزی و همگام گشتن با دیگر کشورهای اروپایی، توان مشارکت بیابد.

۲- سپری شدن دوران ژنرال فرانکو و وزش نسیم دموکراسی بر اسپانیا و گشایش دروازه‌های اتحادیه اروپا به روی آن و در نتیجه، تصویب اسناد اروپایی به‌ویژه اسناد مربوط به حقوق بشر و گشایش در کار اقلیت‌های دینی، نژادی و زبانی در پی به رسمیت شناختن پلورالیسم دینی و سیاسی. این به رسمیت‌شناسی، سزاوار تأمل بسیار است، زیرا در تثبیت اسلام به مثابه یک دین به رسمیت شناخته شده در هرم سیاسی اسپانیا، نقش بسیار زیادی ایفا کرده است.

معاهده ۱۹۹۲م و به رسمیت شناختن اسلام

از جمله پیامدهای بازنگری قانون اساسی سال ۱۹۷۸م. اسپانیا که آزادی‌های دینی و عبادتی افراد و جمعیت‌ها را به رسمیت شناخت، امضای معاهده‌ای میان دولت‌مردان اسپانیا و پیشاپیش آنان پادشاه «خوان کارلوس» (که در تاریخ ۱۰/۱۱/۱۹۹۲ م. آن را به امضا رساند) از یک سو و انجمن‌های اسلامی نماینده مسلمانان از سوی دیگر، در تاریخ ۲۸/۴/۱۹۹۲ م. بود که یکی از بندهای آن مربوط به آزادی عبادت و تأسیس مراکز ویژه عبادت مسلمانان و جنبه حقوقی بخشیدن به دست اندرکاران این مراکز و تأکید بر حق پیروان این دین در رعایت تمامی آموزه‌های اسلام در خصوص احوال شخصی و به‌ویژه در امور ازدواج، طلاق و حجاب و نیز مسایل آموزشی بود.

ماده ۲۷ قانون اساسی اسپانیا تصریح می‌کند: «قانون، گزینش نوع تربیت و اخلاق فرزندان از سوی پدران متناسب با اعتقادات ویژه خود را تضمین می‌کند و دانش آموزان مسلمان، اولیای آنان و مدارس دولتی و ملی می‌توانند تعلیمات دین اسلام را آموزش دهند، مشروط به این‌که با هدف‌های عمومی آموزش و پرورش منافاتی نداشته باشد». و به عنوان مثال، در ماده سوم معاهده مزبور، به رهبران مسلمان و ائمه مساجد اجازه می‌دهد به امامت مساجد و ارشاد و سامان‌دهی و حمایت از اقلیت مسلمان بپردازند و حتی گواهینامه‌ای از سوی جمعیت یا نهادی که به آن وابسته‌اند و از سوی شورای عالی اسلامی اسپانیا پذیرفته شده، این صفت را برای آنان به رسمیت می‌شناسد. هم‌چنان‌که همین ماده تأکید می‌کند که هیچ رهبر اسلامی یا امام جماعتی را نمی‌توان در خصوص فعالیت‌هایی که بنابه نقش و طبق وظایف حرفه‌ای خود انجام می‌دهد، بازجویی نمود. ماده دهم آن نیز تصریح می‌کند که آموزش دین اسلام به دانش آموزان مسلمان در مدارس دولتی و خصوصی

رسمی باید به وسیله مدرسان و امامانی انجام شود که از سوی مقامات اسلامی مربوطه، گمارده می‌شوند.

معنای مواد این توافق‌نامه این است که طبق قوانین اسپانیا، حضور مسلمانان در این کشور دارای پوششی حقوقی است که حقوق دینی شهروندان مسلمان را در اسپانیا تضمین می‌کند و آنها را نیز همچون پیروان سایر ادیان رسمی در این کشور، مورد حمایت قانونی قرار می‌دهد. این معاهده، مسلمانان را در محافل رسمی کشور از جمله در پارلمان، دولت و سایر دستگاه‌های دولتی، هم‌ردیف پیروان ادیان دیگر قرار می‌دهد. در این معاهده، امتیازات مربوط به اقلیت مسلمانان اسپانیا، به لحاظ حقوقی و به‌ویژه با توجه به این نکته که مواد چهارده گانه آن همه حقوق دینی را شامل می‌شود، در اروپا بی‌نظیر است.

ولی نکته قابل توجه این‌که امتیازهای حقوقی یاد شده در مورد اقلیت مسلمان به دلایلی، صورت عملی به خود نگرفته است؛ پیشاپیش این دلایل، نبود نمایندگان یا سخن‌گویان به رسمیت شناخته شده از سوی این اقلیت برای گفت‌وگو با مسئولان دولتی و نیز وجود اختلاف‌های فرعی میان خود این اقلیت در مورد شیوه‌های آموزشی واحد است که بهره‌مندی مسلمانان از این مزیت‌های قانونی را با مانع جدی روبه‌رو ساخته است.

۲- نمونه انگلوساکسونی یا وضع بریتانیا

دوران «امپراتوری که خورشید در آن غروب نمی‌کند» [امپراتوری بریتانیای کبیر]، نخستین دورانی بود که شاهد جلب نیروی کار از کشورها و سرزمین‌های مستعمره و از جمله کشورهای اسلامی برای کار در صنایع دریایی و نیز در کارگاه‌های صنعتی بود.

اگر بتوان گفت مسلمانان مغربی تبار، اکثریت را در فرانسه و بلژیک و مسلمانان ترک تبار اکثریت را در آلمان تشکیل می‌دادند، مسلمانان هندی تبار و به‌طور کلی کسانی که از شبه قاره هند آمده بودند، اکثریت مهاجران مسلمان به بریتانیا را تشکیل می‌دادند و در نیمه اول قرن گذشته و پیش از آن‌که زنجیره مهاجرت در نیمه قرن به‌طور فعال‌تری به حرکت درآید، شاهد مهاجرت شمار بزرگی از مسلمانان قاره هند به سوی بریتانیا می‌باشیم و از جمله نتایج این مهاجرت زودهنگام شمار بزرگی از مسلمانان به بریتانیا، این است که امروزه مسلمانان با تبار و ملیت‌های مختلف، در فضای سیاسی بریتانیا حضوری فعال دارند و در پارلمان و مجلس اعیان آن نیز دارای کرسی می‌باشند.

تردیدهای رسمی در به رسمیت شناختن اسلام

این حضور جدی و مؤثر، باعث نشده که بریتانیا، دین اسلام را به رسمیت بشناسند؛ دینی که سه میلیون نفر مسلمان این کشور را به دور خود جمع کرده و آنها در یک شبکه سازمانی بالغ بر هزار انجمن و سازمان و مرکز و مسجد و مدرسه و نهاد و هیئت خیریه اسلامی فعالیت دارند. مسلمانان بریتانیا طی سال‌های اخیر به لحاظ سیاسی، دستاوردهای متعددی داشته‌اند؛ تا پیش از آن، حضور آنها تنها منحصر به شوراهای شهر و شوراهای محلی بود، ولی با حضور در پارلمان، مجلس عوام و مجلس اعیان (مجلس سنا یا شورای مشاوران در رژیم‌های جمهوری از جمله فرانسه) جهشی کیفی در این حضور و نفوذ پیدا کردند.

«گروه‌های اقلیت مسلمان باید نمایندگانی داشته باشند که بتوانند در هریک از کشورهای اتحادیه اروپا، سخنگویی آنان را بر عهده داشته باشند»؛ این عین سخنان «لیناهلم والن» وزیر خارجه سوئد در ژوئیه سال ۱۹۹۵ م. در حاشیه کنفرانسی درباره اسلام می‌باشد؛ درست یک شب قبل از آن که آقای «نیکولاس بیکر» معاون وزیرکشور بریتانیا درمیهمانی شام سالانه‌ای که ازسوی اتحادیه انجمن‌های اسلامی ترتیب داده بود، از «تأسیس قریب الوقوع سازمان جامع و همه جانبه و با گرایش‌های متنوع و گوناگون اقلیت‌های مسلمان» خبر دهد.

مهم‌ترین مطالب مربوط به اقلیت مسلمان در بریتانیا را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- برخورداری از احکام اسلامی در موارد مربوط به خانواده‌های مسلمان داخل انگلستان.

- بهره مندی از مرخصی‌های دینی و نیز بهره مندی از تسهیلاتی برای استفاده از آنها در ماه رمضان و انجام مناسک حج.

- ضرورت برابری مسلمانان با دیگر اقلیت‌های دینی، مذهبی و نژادی و برخورداری از همان امتیازات متعلق به اقلیت یهودیان، از جمله اجازه تأسیس شورای نمایندگان یهودیان بریتانیا به رغم قدمت ششصد ساله حضور یهودیان در بریتانیا.

- تعدیل قانون بی حرمتی به مقدسات که مسلمانان آن را به دلیل نابرابرشمردن دین اسلام با ادیان توحیدی دیگری که این قانون آنها را مورد حمایت قرار می‌دهد، ناقص می‌شمارند.

ما در این جا در پی آن نیستیم که پیامدهای منفی ناشی از اختلاف‌های موجود میان برخی رهبران مسلمانان در بریتانیا و نقش آن در دست نیافتن به امت واحد اسلامی را بزرگ‌نمایی کنیم؛ اختلافاتی از آن دست که مدت مدیدی است میان «زکی بدوی» بنیان‌گذار طرح تأسیس کنگره مسلمانان در بریتانیا، از یک سو، و «عزیز پاشا» رئیس اتحادیه انجمن‌های اسلامی، از سوی

دیگر، مطرح بوده و به میداله دو جانبه اتهاماتی منجر گردیده که البته کمکی به وحدت مسلمانان نمی‌کند.

بدیهی است ابتکارات متعددی که از سوی کاخ سلطنتی بریتانیا صورت گرفت، باید از سوی نمایندگان اقلیت مسلمانان پی‌گیری می‌شد و تبلور عملی می‌یافت، زیرا در راستای خدمت به مسلمانان بریتانیا بود. در همین راستا، در سال ۱۹۴۴ میلادی، ژرژ ششم پادشاه انگلستان، زمینی در منطقه ریجنت پارک به مسلمانان بریتانیا اختصاص داد که در آنجا، یک مرکز فرهنگی اسلامی و نیز یک باب مسجد بزرگ، تأسیس شد.

در سال ۱۹۹۹م. و به مناسبت آغاز سال جدید میلادی نیز، الیزابت دوم، ملکه انگلستان، ضمن یک لیست صدها نفره بزرگداشت و تجلیل از افراد، القابی را نیز به برخی مسلمانان اعطا کرد؛ هم‌چنان که به یک مسلمان لقب (Sir) که به لحاظ تاریخی ویژه اشراف زادگان بریتانیا است اعطا کرد. در کنار اینها، اظهارات و موضع‌گیری‌های شاهزاده چارلز، ولیعهد بریتانیا، که ریاست افتخاری انستیتو اسلامی اکسفورد را بر عهده دارد نیز قابل تأمل است، به طوری که آن‌چه از سوی وی درباره اسلام و هم‌زیستی و گفت‌وگو بیان شده، از نظر کارشناسان و ناظران و پژوهش‌گران، درست برخلاف ایده‌های مطرح در نظریه «جنگ تمدن‌های» اندیشمند آمریکایی «ساموئیل هانتینگتون» به‌شمار می‌رود.

امروزه مسلمانان بریتانیا، دارای هیئت‌های نمایندگی و سازمانی متعددی بر اساس نژاد هستند؛ گروه مسلمانان شبه قاره هند نیز دارای سازمان سیاسی و اقتصادی بوده و حتی مساجد ویژه خود دارند؛ هم‌چنان که گروه مسلمانان عرب نیز تا پیش از ظهور پدیده جدیدی به نام «شورای مسلمانان پاکستانی عرب بریتانیا»، دارای سازمان‌های ویژه و گوناگونی برای خود بودند.

۳- «نمونه فرانسه» یا «نمونه استثنایی فرانسوی»

مرجعیت قانون ۱۹۰۵م:

آقای «آلان بوییر» تاریخ نگار و مسئول بخش مراسم وابسته به وزارت کشور فرانسه و مؤلف کتاب «اسلام در فرانسه» می‌گوید: «در فرانسه جمهوری و لائیک، موضوع به یکی از شاعری مربوط می‌شود که تابع قانون ۱۹۰۵م. است. گو این‌که این‌را نباید به معنای پنهان داشتن یا نادیده گرفتن برخی نمودهای نابرابری و دشواری‌هایی تلقی کرد که مسلمانان در انجام شعائر دینی و زندگی در چارچوب حفظ عقاید مذهبی خود با آن مواجه می‌شوند».

در پی تصویب قانون ۱۹۰۵، اسلام حضور قدرت‌مندان‌ای در فرانسه پیدا کرد، از این رو می‌توان آن را دیانت جدیدی به‌شمار آورد. ولی با وجود آن‌که در آغاز قرن بیستم میلادی، تعداد ده هزار نفر مسلمان در فرانسه زندگی می‌کردند، قانون ویژه عبادت ۱۹۰۵، تنها به کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها و یهودیان توجه نشان داده و در واقع برای حل مسایل مربوط به گذشته و با هدف آرام ساختن اوضاع و برقراری نوعی تعادل میان گرایش‌های مختلف مذهبی، مطرح گردید.

تا هنگام چشم‌پوشی کیفی فرانسه در نوع برخورد با اقلیت مسلمان که به ابتکار «ژان پی یر شفمنان» وزیر کشور سابق فرانسه مطرح شد، همه اقدامات قبلی با شکست روبه‌رو شد یا به طور کلی کنار گذاشته شد. پیشاپیش ابتکارها و اقدامات ناکام مانده می‌توان از اقدامات «پیر ژاکس» سوسیالیست یاد کرد؛ او اولین مقام بلند پایه حکومتی است که متوجه ضرورت ایجاد نمایندگی اقلیت مسلمان گردید و با تأسیس به اصطلاح «شورای اندیشیدن به آینده اسلام در فرانسه» (کوریف: Corif) شامل پانزده شخصیت، بر آن اصرار ورزید.

اعلامیه مربوط به قبرستان‌های اسلامی از سوی همین نهاد صادر شد. پس از آن «شارل باسکوا» (راست‌گرا) با همکاری مؤسسه مسجد پاریس، کوشش‌هایی در این زمینه به‌عمل آورد و شورای «کوریف» را لغو کرد، ولی در این‌که مسجد پاریس را تبدیل به قطب برجسته‌ترین نمایندگان این اقلیت نماید، ناکام ماند. این ناکامی با توجه به تاریخچه قابل توجه مسجد پاریس، دارای اهمیت زیادی است. بنای این مسجد در سال ۱۹۲۰ م. و زمانی که مجلس نمایندگان و مجلس اعیان فرانسه با اختصاص بودجه‌ای جهت تأسیس یک مرکز اسلامی و مسجدی در پاریس موافقت کرد، آغاز گردید. بودجه اختصاصی، به عنوان مابه‌ازای سمبلیک فداکاری‌های بزرگ اسلامی و جانفشانی‌های مسلمانان، از جمله مشارکت حدود نیم میلیون مسلمان از کشورهای مغرب عربی و آفریقای سیاه در صفوف ارتش فرانسه و شهادت بیش از یک‌صد هزار نفر از ایشان، تقدیم گردیده بود.

«شیخ قدور بن غبریت» مسئولیت تشویق و گردآوری کمک‌های داوطلبانه برای بنای مسجد، پیش از افتتاح مرکز اسلامی و مسجد وابسته به آن در سال ۱۹۲۰ م. را بر عهده داشت و تولیت آن نیز به اداره اوقافی که در سال ۱۹۱۷ م. تأسیس شده بود، واگذار گردید. در حال حاضر «دکتر دلیل ابوبکر» ریاست جمعیت اوقاف را بر عهده دارد. تولیت مسجد نیز برعهده «صهیب ابن الشیخ حمزه بوبکر» است که قبلاً ریاست جمعیت اوقاف و مرکز اسلامی را پیش از دوره ریاست «دکتر خدام التیجانی» بر عهده داشت.

مشورت‌های «شفنمان»

در برابر این ناکامی‌های فراوان وزرای کشور، «ژان پی یر شفنمان» (پیش از تقدیم استعفانامه خود به دولت لیونل ژوسپان در سال ۲۰۰۰ م.) مشاوره‌هایی علنی برای تأسیس مؤسسه مرکزی نمایندگی اسلام در فرانسه با برخورداری از نقش تعیین کننده آن، نمود.

شفنمان نمی‌خواست این هیئت، از سوی دولت تحمیل شده باشد (ویژگی منحصر به فرد این اقدام نیز در همین نکته نهفته است)، بلکه می‌خواست دست‌پرورده اقلیت مسلمانان و نه مشابه نسخه بلژیکی خود باشد (در بلژیک انتخاباتی زیر نظر مقامات دولتی برگزار شده بود و شفنمان این نوع انتخابات را مخالف با روح جمهوری می‌دانست)؛ به این ترتیب، از مشاوران و نمایندگان مهم‌ترین جمعیت‌ها و اتحادیه‌ها و سازمان‌های اسلامی، درخواست شد تا «اعلامیه خواست‌ها» در خصوص قوانین و وظایف مسلمانان در فرانسه را امضا کنند.

امضا کنندگان همراه با وزیر کشور به عنوان وزیر مأمور در امور ادیان، طی نشست در ژانویه ۲۰۰۰ م. پای بندی خود را به قوانین فرانسه از جمله جدایی دین و دولت از یک‌دیگر (طبق قانون ۱۹۰۵ م) اعلام کردند؛ در مقابل، وزیر کشور فرانسه نیز قول داد که دولت، آن‌چه را که برای پیروان ادیان دیگر به رسمیت شناخته، برای آنها نیز به رسمیت بشناسد. این حقوق شامل مرخصی از کار در اعیاد دینی و هنگام برگزاری نماز جمعه و نیز احترام به ویژگی‌های دینی در مسایل غذایی و پوشاکی و غیره می‌گردید.

ویژگی نشست دومی که در روز پنج‌شنبه ۲۰/۴/۲۰۰۰ م. برگزار شد، این بود که به بررسی مسایل متعددی پرداخت که می‌توان آنها را در دو عنوان زیر، طبقه بندی کرد:

- تشکیل کمیته‌هایی برای بحث در مشکلات معیشتی مسلمانان در سراسر فرانسه و آرایه پیشنهادهایی برای حل آنها، از جمله بنای مساجد و سازمان‌دهی ائمه مساجد، فتواها و نقش انجمن‌های اسلامی.

- پیشنهاد شیوه‌های انتخاب هیئت نمایندگانی که باید صدای رسمی مسلمانان در فرانسه به‌شمار آیند.

اعضای شرکت کننده در این «مشاوره»، کمیته‌هایی با عضویت مقامات و نهادهای زیر تشکیل دادند:

- ۱- مقامات واجد شرایط (پیشاپیش آنان وزیر کشور فرانسه، ژان پی یر شفنمان):
- آقای سعادت مامادوبا؛

- شیخ صهیب ابن الشیخ (مفتی مسجد مارسی)؛
- شیخ خالد بن یونس؛
- خانم میشل شودکیریش؛
- خانم بتول فخرلامبیوت؛
- آقای محسن اسماعیل؛
- ۲- اتحادیه‌ها:

- مسجد بزرگ پاریس؛
- اتحادیه عمومی مسلمانان فرانسه (F.N.M.F)؛
- اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه (U.O.I.F)؛
- جماعت «التبلیغ و الدعوه الی الله (T.D.A)»؛

۳- مساجد مستقل فرانسه:

- مسجد مونت لاگولی؛
- مسجد بزرگ لیون؛
- مسجد بزرگ جنوب فرانسه؛
- مسجد بزرگ سازمان سن دونی.

در این جا به برخی نکات مهم «اعلامیه خواست‌ها» در مورد حقوق و وظایف [پیروان] دین اسلام در فرانسه، اشاره می‌کنیم:

- تجمع‌ها و جمعیت‌های مسلمان، بر پای بندی خود به اصول و بنیادهای اساسی جمهوریت، به‌ویژه آزادی اندیشه و آزادی دین‌داری و جدایی کلیساها از دولت طبق قانون ۱۹۰۵م. تأکید می‌کنند.
- مسلمانان، هماهنگ با مواد قانون ۱۹۰۵م. از حق تأسیس جمعیت‌های فرهنگی برخوردارند و این جمعیت‌ها می‌توانند طبق قانون، در یک تشکیلات و سازمان واحد به عنوان نمایندگی‌های ملی پیروان دین اسلام، هم‌چون پیروان دیگر ادیان رسمی در فرانسه، گرد هم آیند.
- این جمعیت‌ها از یک سری امتیازات از جمله معافیت‌های مالیاتی برخوردارند و در عوض باید اصول سازمانی در نظر گرفته شده از سوی احکام قانونی را رعایت نمایند.
- داشتن مسجد و بهره برداری از آن، رکن اصلی آزادی انجام مراسم دینی را تشکیل می‌دهد؛ مساجد نیز باید تنها به عنوان جایگاهی برای انجام مراسم عمومی دینی مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین، هرگونه فعالیت نامأنوس و به‌ویژه با رنگ و بوی سیاسی در آن، ممنوع است.

سرانجام این که باید به ابتکار وزیر کشور سابق فرانسه اشاره کرد که دیدار وی با ما، اتفاقی تاریخی و مهم در تاریخچه حضور اسلام در فرانسه و حتی تاریخچه اقلیت‌های اسلامی در سراسر جهان به‌شمار می‌رود، چون با این‌کار، فرانسه به وجود اسلام در این کشور مشروعیت تازه‌ای بخشید، زیرا تا پیش از آن، مسلمانان اقلیتی شمرده می‌شدند که امور آنها جملگی براساس قانون ۱۹۰۵م. رتق و فتق می‌شد و با جمعیت‌های اسلامی هم‌چون جمعیت‌های فرهنگی، هنری یا ورزشی، برخورد می‌شد؛ به این معنا که اسلام اجازه حضور داشت، اما به رسمیت شناخته نمی‌شد.

امروزه وضع کاملاً متفاوت است؛ اسلام به عنوان یک دین، به رسمیت شناخته شده و تنها هیئت نمایندگی مسلمانان نیز که عهده‌دار گفت‌وگو و ارتباط با مقامات فرانسوی است، برگزیده شده است و این هیئت می‌تواند از مسایل مربوط به وجود مسلمانان در فرانسه، دفاع کند، از جمله این‌که بنای مساجد را زیر نظر گیرد و به زندان‌ها وارد شود و بر آموزش‌های آزاد اسلامی، نظارت داشته باشد، گو این‌که هنوز برای اقلیت مسلمانان، هم‌چون پیروان ادیان دیگر، امکان تأسیس مدارس آزاد دینی وجود ندارد.

به هر حال مهم‌ترین ویژگی نمونه فرانسوی حضور اقلیت مسلمانان، نظارت وزیر کشور سابق فرانسه «نیکولای سرکوزی» بر تأسیس شورای فرانسوی دیانت اسلام به عنوان سابقه‌ای ابتکاری در این مورد است؛ این شورا اینک به طور رسمی عهده دار نمایندگی مسلمانان فرانسه در برابر مقامات دولتی است که به موجب سند صادره از سوی دفتر اطلاعات نخست وزیری فرانسه، در ۲۳ آوریل ۲۰۰۳ تصویب و تأیید گردید.

با نگاهی دوباره به زمینه‌های تأسیس این شورا، یادآور می‌شویم که در ماه نوامبر ۱۹۹۹ میلادی، وزیر کشور فرانسه نشستی با حضور نمایندگان مسلمانان فرانسه که خود «شورای مشورتی مسلمانان فرانسه» را تشکیل دادند، داشت. اعضای این شورا نیز در عمل به قانون تصویبی نهم دسامبر ۱۹۰۵م. مربوط به جدایی دین از دولت و با تکیه بر کمک‌های فنی و حقوقی وزارت کشور فرانسه، به عنوان شاهد حسن نیت و کارگشا، موافقت کردند که چارچوب آینده «هیئت نمایندگی دین اسلام» را تدارک نمایند.

ماده اول و دوم قانون ۱۹۰۵م. تصریح می‌کند: «جمهوری فرانسه، آزادی انجام شاعر دینی را تضمین می‌کند... ولی هیچ‌کدام از آنها را به رسمیت نمی‌شناسد».

در سوم ژوئیه ۲۰۰۱م. اعضای شورای مشورتی، چارچوب توافقی (accord-cadre) تعیین کننده صورت کلی هیئت نمایندگی دین اسلام را به تصویب رساندند. در نوامبر ۲۰۰۱م. اعضای شورای

مشورتی، جمعیتی برای سازمان‌دهی انتخابات «شورای فرانسوی دیانت اسلام» یا همان (AOE-CFCM) تأسیس کردند. در ۲۳ فوریه ۲۰۰۳ م و با حضور آقای «نیکولای سرکوزی» وزیر کشور و امنیت داخلی و آزادی‌های محلی، اعضای شورای مشورتی، تاریخ ششم یا سیزدهم آوریل ۲۰۰۳ م را برای اجرای انتخابات این شورا در نظر گرفتند. «شورای فرانسوی دیانت اسلام» در سطح ملی و نیز شوراهای منطقه‌ای دین اسلام در سطح ایالت‌های مختلف فرانسه (۲۲ ایالت اداری و سه منطقه درون ایل دو فرانس و نیز در جزیره لاریونیون) به منظور تأمین نیاز میرم برقراری گفت‌وگو میان مسلمانان و مقامات فرانسوی به مثابه اولویت نخست، تأسیس می‌شود. از اهداف دیگر این شوراها، تسهیل گفت‌وگوی درون گروهی میان مذاهب و مکتب‌های متنوع فکری دین اسلام است.

۱- تشکیل «شورای فرانسوی دیانت اسلام»

هدف از تشکیل «شورای فرانسوی دیانت اسلام (CFCM)» و هیئت‌های نمایندگی منطقه‌ای یا همان شوراهای اقلیمی (ایالتی) دین اسلام (CRCM)، دفاع از اسلام و مصالح اسلام و مسلمانان در فرانسه، سامان‌دهی و مبادله اطلاعات و خدمات میان مراکز مختلف دینی عبادی، تشویق گفت‌وگوی ادیان با یک‌دیگر، و نمایندگی مکان‌های عبادی (مساجد و...) نزد مقامات دولتی است؛ به همین دلیل است که تشکیل این شورا خود ضامن چندگونگی آن است.

اتحادیه‌های هفت گانه:

- مسجد پاریس؛
- اتحادیه عمومی مسلمانان فرانسه (CNMF)؛
- اتحادیه سازمان‌های اسلامی در فرانسه (UOIF)؛
- «دعوة و رسالة لصالح الايمان و ممارسة الشعائر»؛
- جماعة الدعوة و التبليغ الى الله؛
- اتحادیه فرانسوی جمعیت‌های اسلامی آفریقا، جزایر کاناری و جزایر آنتی؛
- کمیته هماهنگی مسلمانان ترک در فرانسه؛
- مساجد بزرگ.

«شورای فرانسوی دیانت اسلام»، متشکل از مجموع شوراهای اقلیمی (ایالتی) دین اسلام (CRCM) و نیز اتحادیه‌های دربرگیرنده جمعیت‌های مختلف متولی اداره اماکن عبادتی

و هیئت امنای مساجد گوناگون و شخصیت‌های برگزیده از میان اعضای قدیمی این جمعیت است.

«شوراهای اقلیمی دین اسلام» نیز متشکل از جمعیت‌های مختلف اداره کننده امور مساجد و فعالیت‌های آنها در مناطق مربوط به خود و با حضور برخی شخصیت‌های برگزیده از میان اعضای قدیمی این جمعیت‌هاست.

آیین‌نامه‌گزینش نمایندگان مکتب‌های گوناگون فکری

در کنار آیین‌نامه انتخابی حاکم بر انتخابات تک مرحله‌ای مبتنی بر لیست‌های انتخاباتی و گزینش نسبی، آیین‌نامه‌گزینش این نمایندگان، متضمن نمایندگی افرادی در «شورای فرانسوی دیانت اسلام» است که قادر به ورود به آن از راه انتخابات نیستند؛ از جمله موارد تصریح شده در این مورد، حضور پنج تن از زنان در «شورای فرانسوی دیانت اسلام» در جمع ده نفر شخصیت‌های انتصابی است.

آیین‌نامه پراکندگی تخصص‌ها

در بعد جغرافیایی، «شورای فرانسوی دیانت اسلام» برخوردار از اختیارات ملی است؛ حال آن‌که اختیارات شوراهای اقلیمی یا ایالتی دین اسلام، منحصر به ایالت مربوطه است.

در بعد وظایف، «شورای فرانسوی دیانت اسلام»، متولی اداره مسایل مربوط به تدوین اصول کلی سازمانی است، در حالی‌که شوراهای اقلیمی (ایالتی) به مسایل مطرح در هر ایالت، البته با توجه به اصول کلی تعیین شده از سوی «شورای فرانسوی دیانت اسلام»، می‌پردازند. چارت سازمانی شوراهای ملی و ایالتی، یکسان است و هر دو شورا، یعنی «شورای فرانسوی دیانت اسلام» و شوراهای اقلیمی (ایالتی) دین اسلام، در مورد مکانیسم کار و تصمیم‌گیری، به رغم اختلاف ترکیب آنها با یکدیگر، ساز و کار مشابهی دارند.

مجمع عمومی این شوراها، سالانه یک‌بار برای بحث در مسایل اداری و اوضاع مالی و معنوی، تشکیل می‌شود که البته می‌توان در فاصله دو مجمع عمومی نیز نشست فوق‌العاده این مجمع را برای تعدیل در آیین‌نامه یا نظام‌نامه شوراها یا طرح مسایل و موضوعات مطرح شده از سوی هیئت اجرایی مجمع عمومی، برگزار کرد. مجمع عمومی «شورای فرانسوی دیانت اسلام» متشکل از ۱۹۴ عضو است که سه چهارم آنها، به‌طور انتخابی، برگزیده می‌شوند:

۱۵۰ عضو انتخابی از مناطق مختلف که ۲۴ تن از آنها نمایندگان اتحادیه‌های هفت‌گانه عضو در شورای مشورتی مسلمانان فرانسه هستند (که انتظار می‌رود در آینده، اتحادیه‌های دیگری نیز به این نهاد افزوده شود)؛ ۱۰ نفر نمایندگان مساجد پنج‌گانه عضو در شورای مشورتی مسلمانان فرانسه (که انتظار می‌رود در آینده مساجد دیگری نیز به این نهاد افزوده شود)؛ ۱۰ نفر از شخصیت‌های بلند پایه متخصص در امر شوراهای اقلیمی (ایالتی) دین اسلام. مجمع عمومی آن نیز شامل دویست تا پانصد نفر نماینده جمعیت‌های متصدی مسایل اداری دین اسلام در پیوند با گستره در نظر گرفته شده برای آن و متناسب با سهم نسبی هر یک از مراکز عبادی در آن می‌باشد.

هیئت اجرایی وابسته به «شورای فرانسوی دیانت اسلام» شامل یازده تا هفده عضو است، حال آن‌که هیئت اجرایی شوراهای اقلیمی (ایالتی) دین اسلام، متشکل از پنج تا دوازده عضو است. مسئولیت هیئت اجرایی، عمدتاً پیشنهاد تصمیم‌ها و راهبردهای کلی مرتبط با مسایل بنیادی و نیز بر عهده گرفتن اجرای تصمیمات اتخاذ شده از سوی شورای اداری یا مجمع عمومی است. شورای اجرایی دارای نشست‌های عادی یا فوق العاده است و تصمیمات خود را با اکثریت دو سوم اعضای «شورای فرانسوی دیانت اسلام» و اکثریت چهار پنجم اعضای شوراهای اقلیمی (ایالتی) دین اسلام، می‌گیرد. به منظور تضمین فعالیت هرچه بیشتر و مؤثرتر این نهادها - شورای فرانسوی دیانت اسلام و شوراهای اقلیمی (ایالتی) دین اسلام - هماهنگی‌هایی از کانال‌های مختلف و زیر نظر رئیس، به عنوان سخنگوی رسمی هر یک از این شوراهای، صورت می‌گیرد.

۵- مسایل ققهی ویژه اقلیت‌های اسلامی

بحران در فقه اقلیت‌های اسلامی:

تردید نیست که سازمان‌ها، قوانین و راه‌های برخورد مقامات دولتی و جامعه با اسلام به عنوان یک دین و با مسلمانان به مثابه مجموعه افرادی که حق ابراز هویت دینی و فرهنگی خود را دارند و آن‌را حفظ و حراست می‌کنند، در کشورهای مختلف، متفاوت است و در نتیجه، موانع و مشکلاتی که مسلمانان با آنها روبه‌رو هستند در تمامی کشورهای اروپای غربی، یکسان نیست؛ از این رو باید وضع هر کشور مشخصی را به‌طور جداگانه بررسی نمود، اما در این جا تنها به کلیاتی از مسایل و مشکلاتی که مسلمانان در بیشتر کشورهای اروپایی با آن روبه‌رو هستند، در چند محور اشاره می‌شود:

۱- محور عبادت:

- ناکافی بودن مکان‌های مناسب اختصاص یافته برای ادای نماز؛

- دشواری برگزاری نماز در وقت خود به دلیل ساعات کار یا تحصیل یا نبود جاهای اختصاصی یا به علت عدم اجازه مسئولان به کارکنان؛

- دشواری افطار در زمان مناسب در ماه رمضان، به همان دلایلی که مرخصی ویژه ادای مراسم حج در اوقات شرعی، داده نمی‌شود.

۲- محور احوال شخصی:

- به رسمیت شناخته نشدن نظام اسلام در احوال شخصی، از جمله در ازدواج و طلاق؛ هرچند در حال حاضر، عقد ازدواج اسلامی همراه با انجام عقد مدنی صورت می‌گیرد و مشکلات خیلی کمتر شده است، ولی طلاق معمولاً طبق دادگاه‌های اروپایی و بر خلاف احکام اسلام صورت می‌گیرد و به‌ویژه در مسایلی چون مهریه، متعه، نفقه، حضانت و... به بافت خانوادگی خانواده‌های مسلمان، آسیب جدی وارد می‌کند؛

- نبود مرجعیت واحد اسلامی در عقدهای ازدواج انجام شده در مساجد که باعث ایجاد هرج و مرج گردیده و امکان بیش از یک ازدواج را برای زن یا مرد در مناطق مختلف، فراهم می‌آورد.

۳- محور ارث:

در رژیم‌های حقوقی اروپا، سهم ارث مسلمانان طبق احکام شرعی اسلام، پذیرفته نیست. مهم‌ترین مطلبی که مسلمانان ساکن در اروپا باید آن را مطالبه کنند، به رسمیت شناختن حق آنان در پای بندی به قوانین احوال مدنی مبتنی بر احکام شرع همراه با ایجاد نظام اجرایی و قضایی عهده دار اجرا و مراقبت از آن است.

۴- محور خوراکی‌ها:

از جمله حقوق مهم مسلمانان، حق آنان در بهره مندی از وعده‌های غذایی تهیه شده طبق احکام دین آنان در تمامی مؤسسات عمومی که در آن حضور دارند، یعنی مدارس، پادگان‌های ارتش، محل کار و ...، و ضرورت تأمین پیامدهای ناشی از بهره‌مندی از این حق، از جمله زیر ساخت‌های لازم برای تحقق و انجام آن به بهترین شکل ممکن است.

۵- محور آموزش و پرورش:

- آموزش دینی در تمام مدارس باید بر اساس برنامه‌های تخصصی تدوین شده از سوی کارشناسان اسلامی آموزش‌های دینی و مدرسان و دبیران مسلمان توانا و در چارچوب یک برنامه جامع تربیتی پژوهشی، صورت گیرد.

- باید به مسلمانان اجازه داده شود مدارس ویژه‌ای برای تربیت امام جماعت، خطیب و مبلغ اسلامی تأسیس کنند.
- باید به مسلمانان اجازه داده شود مدارس غیرانتفاعی و حرفه‌ای اروپایی تأسیس کنند.
- باید به مسلمانان اجازه داده شود دانشگاه اسلامی تأسیس کنند.
- ع- محور خدمت نظام وظیفه (سربازی):
- باید به فرد مسلمان اجازه داده شود طی دوره سربازی، شعائر دینی خود را انجام دهد و وادار به انجام عمل مخالف اصول دین خود نیز نشود.
- محور عبادات که در ابتدا به آن اشاره شد، با توجه به فراوانی اشکالات فقهی مربوطه، دارای اهمیت بیشتری است و از آن‌جا که اکنون در برابر برجسته‌ترین فقها و علمای جهان اسلام قرار داریم، به طرح مهم‌ترین مسایل فقهی و در واقع پرسش‌های مرتبط با این محور می‌پردازیم:

الف: احکام عبادات

- آیا فرد کافر، ذاتاً پاک است یا نجس به شمار می‌آید؟
- آیا ختنه کردن اسلام آوردگان، واجب است؟
- حکم نماز در مراکز عبادی کافران چیست؟
- آیا دفن مردگان در تابوت، جایز است؟
- آیا دفن مسلمان در قبرستان کافران جایز است؟
- آیا جایز است کافر، جنازه مسلمان را حمل کند؟
- آیا فرد مسلمان مجاز است کافری را تسلیت گوید؟
- روزه ساکنین قطب به چه صورت است؟
- موضع شرع نسبت به نماز با کمر بند یا کیفی که ممکن است از چرم خوک ساخته شده باشد، چیست؟

- حکم شرعی نگه‌داری سگ و طهارت آنها چیست؟

ب - احکام معاملات:

- حکم معاملات ربوی در دیار غیر اسلامی چیست؟
- خرید خانه از طریق بانک‌ها چه حکمی دارد؟

- حکم غذا خوردن در کافه یا رستورانی که در آن مشروب فروخته می‌شود چیست؟
- حکم سپرده گذاری در بانک‌های غیراسلامی چیست؟
- حکم حمایت از نامزدهای سیاسی کمونیست یا ملحد چیست؟
- حکم ازدواج با زنان اهل کتاب در کشورهای غیراسلامی چیست؟
- حکم شرعی بارورسازی آزمایشگاهی و استفاده از داروهای ضدبارداری و کاربرد آی یو دی برای جلوگیری از بارداری چیست؟
- حکم شرعی «ازدواج مصلحتی» که به قصد تحقق برخی اهداف اداری انجام می‌شود، چیست؟
- حکم خال کوبی بر روی بدن انسان با نقش اندام حیواناتی چون سگ یا خوک چیست؟
- موضع شرع در برابر آن چه که «قتل از روی ترحم» نامیده می‌شود، چیست؟
- پرسش‌های فقهی دشوار و ویژه اقلیت‌های اسلامی، بسیار و به عبارتی، بی شمارند و نیازمند پاسخ‌های قاطع و اجتهادهای فقهی کارساز و نیز تعیین تکلیف مکلفان از نظر ترجمه فتواها، یا اعمال اجتهاد فقهی از سوی علمای حاضر در میان جامعه مسلمان هر کشور و یا تلفیقی از این سه روش است.

اقلیت‌های مسلمان در اروپا: واقعیت‌ها و ایده‌آل‌ها

پس از بررسی اجمالی اوضاع اقلیت مسلمان در اروپا اکنون به عنوان نوعی مشارکت و همکاری عملی، پیشنهادهایی در راستای بهبود اوضاع این اقلیت و پایان بخشیدن به حالت نه چندان مناسب کنونی، ارائه می‌گردد. این پیشنهادها عرصه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد:

۱- عرصه دینی:

- تدوین اصول اساسی اعتقادات، شریعت و سیره نبوی و تاریخچه فتوحات اسلامی از سوی مسلمانان اروپا و هر یک به زبان بومی خود؛
- فراخوان جمعیت‌های خیریه برای همکاری‌های جدی‌تر در بنای مساجد و مراکز اسلامی در کشورهای مختلف اروپایی تا امکان پاسداری از هویت اسلامی از سوی نسل‌های آینده و مشارکت در هرچه فعال‌تر ساختن عبادات اسلامی فراهم آید؛
- کوشش جدی و پی‌گیر در ارسال گروه‌های مبلغ از میان کسانی که قادر به صحبت به زبان‌های اروپایی هستند؛

- تلاش در جهت حمایت از نقش مساجد و مراکز دینی و عبادی با در نظر گرفتن ائمه مساجد توانا و آگاه به علوم شرعی و معتقد به ضرورت اجتهاد طبق شرایط زمانی و مکانی و البته بدون تعارض با متون قطعی و مسلم اسلامی؛

بر این اساس، یک مبلغ اسلامی در اروپا باید دارای شرایط زیر باشد:

- با علوم شرعی اعم از فقه و حدیث و علوم قرآنی آشنایی کامل داشته باشد؛

- با زبان عربی و برخی لهجه‌های اصلی از جمله لهجه روستایی مغربی، قبیله‌ای الجزایری و... آشنا باشد؛

- به زبان کشوری که در آن اقامت می‌کند، مسلط باشد؛

- پی‌گیر مسایل جامعه شناختی و جنبه‌های فرهنگی تمدنی بخش‌های گوناگون جامعه اروپایی باشد؛

- با قوانین کشور میزبان آشنایی داشته باشد تا تمام فعالیت‌های او و مردمی که راهنمایی و ارشاد آن‌ها را بر عهده می‌گیرد قانونی و منطبق بر قوانین جاری آن کشور باشد؛
- در وحدت بخشیدن به صفوف مخاطبین و سازمان‌دهی آنان، توانا باشد.

۲- در عرصه علمی:

- تأسیس انستیتوی اسلامی - اروپایی با شعبه‌هایی در کشورهای اتحادیه اروپا به منظور بحث و بررسی پیرامون مشکلات افراد و گروه‌های مختلف این اقلیت و تحکیم پیوندهای اجتماعی میان آنان و ایجاد زمینه برای در نظر گرفتن برنامه‌ای بلند مدت جهت کمک به نهادهای اجتماعی و تربیتی محلی و بین‌المللی، در راستای اطمینان بخشی به این اقلیت و گشایش درهای امید و اعتماد در برابر جوانان مسلمان مقیم یا غیرمقیم در اروپا. این انستیتو به وسیله نخبگانی از میان مسلمانان پر شور و علاقه مند و متخصص در هر کشور اروپایی، اداره می‌شود؛

- ترجمه دوباره قرآن کریم از سوی اعراب مسلمان مورد اعتمادی که در علوم شرعی متبحر بوده و توانایی بالایی در زبان مقصد داشته باشند؛

- توجه جدی‌تر به نوشته‌های اسلامی ترجمه شده و بررسی کم و کیف آنها و صحت اطلاعات وارده و مقایسه ترجمه‌ها با متن اصلی و در نظر گرفتن شرایط جوامع اروپایی؛

- مبادله اسناد و نسخه‌های خطی و درخواست تصاویری از آنها برای قرار دادن در

بانک اطلاعات، همراه با راهنمایی دانشجویان در بحث و پژوهش و تحقیق و مطالعه در متون کلاسیک.

- تشویق خواهرخواندگی و فعالیت‌های مشترک میان دانشگاه‌های اسلامی از یک سو و دانشگاه‌های اروپایی از سوی دیگر، به منظور مبادله کارشناس و هماهنگی و همکاری در خدمت به پژوهش‌ها و مطالعات منصفانه خاورشناختی؛

- مبارزه با جهل و بی‌سوادی به عنوان بستر افراط‌گرایی و تحریک‌پذیری، از راه آموزش و تشویق گفت‌وگوهای اصولی؛

- تأسیس بانک اطلاعات و داده‌های مختلف مربوط به اقلیت اسلامی در اروپا و روزآمد نمودن آن برای استفاده از آن در بهبود و نوسازی کارها و روش‌های فعالیت.

۳- در عرصه آموزشی:

- اولویت دادن به ایجاد و حمایت از مراکز آموزش اسلامی در اروپا و ارایه کمک از سوی مؤسسات و نهادهای خیریه اسلامی محلی و بین‌المللی به آنها از جمله بانک «توسعه اسلامی»، «رابطه العالم الاسلامی»، دانشگاه‌های اسلامی و دولتی؛

- تأسیس مدارس و مکتب‌خانه‌های حفظ قرآن کریم و تدریس علوم قرآنی، حدیث و فقه؛
- کوشش در جهت تدوین برنامه‌های درسی و آموزشی زبان عربی بر اساس برنامه‌های معمولی در کشورهای اتحادیه اروپا؛

- تلاش برای تدوین طرحی جهت تدریس علوم اسلامی، فقه، احکام ثابت شرع و داده‌های متغیر جوامع اروپایی؛

- دعوت از سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران مسلمان برای سرمایه‌گذاری در عرصه آموزش و پرورش، با تأسیس مدارس آزاد اسلامی ویژه فرزندان خانواده‌های مسلمان ساکن در اروپا؛

- اختصاص بورس‌های تحصیلی به فرزندان اقلیت مسلمان و علاقه‌مندان به تحصیلات عالی و کمک به آنان برای ادامه تحصیلات اسلامی در کشورهای عربی، با هدف بالا بردن سطح آموزش‌های دانشگاهی و تربیتی (آن‌گونه که در حال حاضر از سوی سازمان آیسسکو [سازمان فرهنگی تربیتی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی] انجام می‌شود)؛

- تهیه برنامه‌های تربیتی - اسلامی هدفمند، با در نظر گرفتن فرهنگ اسلامی کودک و نیز محیط اجتماعی اروپا.

۴- در عرصه اجتماعی:

- فراهم آوردن شرایط و زمینه‌های ازدواج و مسایل احوال شخصی مربوط به آن، از جمله طلاق، نفقه، حضانت، ارث و جزآن، در جهت تشویق پیوندهای زناشویی دختران و پسران جوان مسلمان با یکدیگر و اجتناب از دردهای مربوط به ازدواج با دختران بیگانه؛
- برپایی اردوگاه‌ها و مراکز کودکان و جوانان و نیز برگزاری سفرهای گروهی به کشورهای مختلف اسلامی در چارچوب هویت‌های اسلامی.

۵- در عرصه فرهنگی:

- برشماری عناصر تحکیم بخش و تشکیل دهنده هویت اسلامی، بر اساس متون اصیل و قابل اعتماد مذهبی، تاریخی و زبانی؛
- لزوم جداسازی سره از ناسره در هویت اسلامی و نیز در عبادات و شعائر دینی.
- بررسی امکان هم‌سویی و هماهنگی میان ارزش‌های اسلامی و مقتضیات جوامع اروپایی، به منظور عمل به موارد توافقی و مشترک و معذور داشتن یکدیگر در موارد اختلافی و کوشش در جهت هم‌سویی هرچه بیشتر؛
- بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و فناوری‌های اطلاعاتی در مسایل فرهنگی و استفاده از رسانه‌های سمعی، بصری یا اینترنتی؛
- تأسیس شبکه‌ای اسلامی در «اینترنت» برای برقراری ارتباطات تمدنی و ارایه اطلاعات و اخبار به سبک و سیاق شبکه «اسلام آن لاین».

۶- در عرصه رسانه‌ای:

- تأسیس تلویزیون ماهواره‌ای ۲۴ ساعته به زبان‌های اتحادیه اروپا (و به‌ویژه فرانسوی، انگلیسی، اسپانیولی و آلمانی) برای مخاطب اروپایی، در راستای ایجاد فضا برای گفت‌وگو و مبادلات فرهنگی و طرح اسلام به شیوه نوین، مدرن و علمی؛
- انتشار مطبوعات هفتگی یا نشریات دوره‌ای به زبان‌های اتحادیه اروپا با هدف رد ادعاهای مغرضان و طرح برنامه‌های جامع و تمدنی اسلام برای زندگی، در چارچوب برقراری ارتباط میان مسلمانان اروپا و بخش‌های دیگر امت اسلامی.
- پخش برنامه‌های دینی و تربیتی و بحث‌های فرهنگی از کانال‌های ماهواره‌ای عربی مقیم در

کشورهای اروپایی یا کانال‌های ماهواره‌ای عربی که برنامه‌های خود را از کشورهای عربی، پخش می‌کنند.

خلاصه مطالب

آنچه گذشت، بیان برخی داده‌های میدانی در مورد اقلیت مسلمانان در اروپا بود که نشان‌گر میزان درآمیختگی آن با یک تمدن مادی و نیز توان هم‌زیستی مسالمت‌آمیز آن در محیطی نامساعد، اگر نگوئیم دشمن، به دلیل تراکم تاریخی پر فراز و نشیب است.

خاورشناسی مغرضانه، همراه با فقدان شیوه‌های منطقی و منصفانه در مطالعه مسایل شرق، نقش به‌سزایی در پیچیده‌تر ساختن مسایل داشته است، به‌طوری که برخی اندیشمندان معاصر را، به‌ویژه پس از فروپاشی اردوگاه کمونیسم، به دنبال ایده برخورد تمدن‌ها کشانده است. از این پس و در صحنه اندیشه غرب، رقیبی جز اندیشه اسلامی، به عنوان اندیشه‌ای قدرت‌مند و در چالش جدی با منظومه سرمایه‌داری کنونی، باقی نمانده است. بنابراین آنچه ما بدان نیاز داریم رویارویی با مشکلات فراوانی است که اقلیت‌های اسلامی در اروپا با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند؛ مشکلاتی چون وضع اجتماعی رقت‌انگیز، سطح فرهنگی پایین، نداشتن نمایندگی و نبود آگاهی سیاسی که عادی‌سازی سیاسی را میان غرب و شرق تسهیل گرداند.

اقلیت‌های اسلامی [در اروپا]، به‌شدت نیازمند حل تناقض حضور خود در غرب و مقتضیات این حضور از نظر کارزار مداوم میان اثبات خویش و تأکید بر وابستگی و حفظ هویت [اسلامی شرقی] خود از یک سو و نیازهای ادغام و هم‌سانی با محیطی که نه تنها کمکی به حفظ هویت انسان نمی‌کند، بلکه با تمام ابزارها و روش‌ها، ذوب شدن و انحلال کامل در تمدن غرب را سرعت می‌بخشد، از سوی دیگر، هستند. به همین دلیل، مدتی است که صداهایی در اروپا، مسئله زن مسلمان را مطرح نموده و نسل‌های جدید را به تحقق ذوب کلی فرا می‌خوانند؛ موضوعی که نیازمند هوشیاری هرچه بیشتر و تلاش جدی‌تر در جهت در نظر گرفتن راه‌هایی برای محافظت از هویت اسلامی و ویژگی‌های فرهنگی تمدنی اقلیت‌های اسلامی است.

البته، پای بندی به هویت، به معنای انزوا طلبی نیست. ما طبق آنچه در منابع دینی، قرآن و سنت شریف نبوی ﷺ آمده، امتی اهل گفت‌وگو، اجتماعی و گشاده‌رو در برخورد با دیگران هستیم. منابع دینی ما، داد و ستد تمدنی آگاهانه، منصفانه و متعادل با دیگران را نفی نمی‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ».

حضور اسلام در اروپای غربی، در تاریخ روابط میان غرب مسیحی و شرق اسلامی وضعیت بی سابقه‌ای دارد و خود فرصت نادری برای هم‌زیستی است و در عین حال، چالش‌های فراوانی در پیش رو دارد که مهم‌ترین آنها، دشواری‌هایی است که مسلمانان اعم از فرد یا گروه، در ایجاد هماهنگی میان تعهدات دینی و مشارکت فعال در زندگی مدنی، با آن روبه‌رو هستند.

برای چیرگی بر این دشواری‌ها، ناگزیر باید از هر دو سوگام‌هایی برداشته شود؛ دولت‌های اروپایی باید قوانینی در به رسمیت شناختن حق اقلیت‌های اسلامی در حفظ دین و هویت فرهنگی خود تصویب نموده و ابزارهای قانونی و اداری لازم را برای اعمال این حق در چارچوب جامعه اروپا سامان‌دهی نمایند.

از سوی دیگر، مجتهدان معاصر باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های حضور مسلمانان در اروپا با یاری گرفتن از انعطاف‌پذیری شریعت اسلامی و صلاحیت آن برای زمان‌ها و مکان‌های مختلف، بدون هرگونه جمود و تحجری به اولویت‌هایی توجه کنند که اصولیون در نظر گرفته و مصلحت‌های مردم را به ضروری، نیازمندی و ترجیحات تقسیم کرده‌اند و با رعایت میزان مصلحت یا مفسده هر حکمی، در صورت تعارض و جلب مصلحت بیشتر یا دفع مفسده بزرگ‌تر، به حکم شریعت بنگرند که به تحقق منافع و مصلحت عمومی مردم توجه نموده است.

اقلیت‌های اسلامی در اروپا، نیازمند ارشاد، توجیه دینی و ارایه الگوی مسلمان حقیقی هستند و این هدف نیز جز در چارچوب فرهنگی و اجتماعی درست، تحقیق‌پذیر نیست؛ از این رو ناگزیر باید شالوده‌ای با جنبه‌های تربیتی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی برای اقلیت‌های مسلمان در نظر بگیریم. کشورهای اسلامی نیز باید با این واقعیت جدید امت اسلامی برخورد هوشیارانه و سرشار از روحیه همکاری‌های اسلامی داشته باشند؛ تنها در این صورت می‌توان به حضور مؤثرتر و زندگی بهتر آنان امیدوار بود.

منابع و مأخذ:

- ۱- بشاری، محمد، «صورة الاسلام في الاعلام الغربي»، انتشارات دارالفکر، دمشق، چاپ اول، ۲۰۰۴ م.
- ۲- بشاری، محمد، «واقع الاقليات الاسلامية في الشعارة الاوروبية»، مقاله ارایه شده به «شورای عالی امور اسلامی»، قاهره، ۱۹۹۷ م.
- ۳- حیدر ابراهیم علی، «أزمة الاقليات في الوطن العربي»، دارالفکر، دمشق، ۲۰۰۲ م.

- ۴- سجستانی، ابن اشعث، سسن ابي داوود، ج ۲.
- ۵- محمدين، محمد محمود، «خريطة العالم الاسلامي»، مجله «دراسات»، دانشكده علوم تربيتى دانشگاه ملك سعود، ۱۹۸۲م.
- ۶- محمد سيد، غلاب و ديگران، البلدان الاسلاميه و الاقليات الاسلاميه في العالم المعاصر، انتشارات اولين كنگره جغرافى اسلامى، ۱۳۹۹ ق.

